



Reading the translation of Surah Al-Baqarah and Al-Imran (Based on Iser's aesthetic theory)

*Sodabeh Mozaffari*¹

*Jamileh Atabi*²

1. Associated Professor, Arabic Litratue. University of Kharazmi, soud42_moz@khu.ac.ir

2. M.A Student, Arabic Litratue. University of Kharazmi, sosan.atbi1022@gmail.com.

Doi: [10.22034/iscw.2023.713508](https://doi.org/10.22034/iscw.2023.713508)

*Original
Research*

Received:

2022-02-27

Accepted:

2023-09-16

Keywords:

Quran,
Surah Al-
Baqarah,
Surah Al-
Imran,
Translation,
Izer
Aesthetic.

Abstract: Receiving theory is one of the contemporary critical approaches that has sub-branches; One of these branches is the aesthetic theory of Wolfgang Iser. Given that the basis of this theory is the reader's perception of the text and looks at the translator as a reader, so it seeks to find out how and by what methods the translator as a reader bridges the gaps and gaps of a text Fills the basis of your receipt. The present study uses the descriptive-analytical method of critical type and in the light of Wolfgang Iser theory, selected the divine translations of Ghomshei, Makarem Shirazi and Meshkini from Surah Al-Baqarah and Al-Imran as a literary text and after examining the gaps in the original text The two suras examine how it is reflected in the Persian translation Has set. Analyzes show that the virtual part of the language (metaphor, irony, authorized messenger, simile) is the most obscure part of the surahs, and among these, metaphor has the largest volume of linguistic gap. Translators have used two methods of removing and highlighting to fill these empty spaces, among which, Elahi Ghomshei has used the highlighting method to read the empty spaces more than others by freely translating these two noble suras.

خوانش ترجمه سوره بقره و آل عمران (بر اساس نظریه زیبایی شناسانه آیزر)

سودابه مظفری^۱ جمیله عتابی^۲

۱. دانشیار. گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران

soud42_moz@khu.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات، دانشگاه خوارزمی، تهران

sosan.atb1022@gmail.com

DOI: 10.22034/iscw.2023.713508

چکیده نظریه دریافت یکی از رویکردهای انتقادی معاصر است که دارای شاخه‌هایی می‌باشد؛ یکی از این شاخه‌ها نظریه زیباشناسانه دریافت ولفگانگ آیزر است. با توجه به اینکه اساس این نظریه دریافت خواننده از متن است و به مترجم به مثابه یک خواننده نگاه می‌کند پس در پی آن است که دریافت مترجم به عنوان یکی از خوانندگان چگونه و با چه روش‌هایی خلأها و شکاف‌های یک متن را بر اساس دریافت خود پر می‌کند. پژوهش حاضر با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی از نوع انتقادی و در پرتو نظریه ولفگانگ آیزر، ترجمه‌های الهی قمشه‌ای، مکارم شیرازی و مشکینی از سوره بقره و آل عمران را به عنوان یک متن ادبی برگزیده و پس از بررسی انواع شکاف‌های متن اصلی این دو سوره، چگونگی انعکاس آن در ترجمه فارسی را مورد بررسی قرار داده است. تحلیل‌ها نشان می‌دهد که بخش مجازی زبان (استعاره، کنایه، مجاز مرسل، تشبیه) نامشخص‌ترین بخش سوره هاست و در این میان استعاره بیشترین حجم شکاف زبانی را به خود اختصاص داده است. مترجمان برای پر کردن این فضاهای خالی از دوروش حذف و برجسته‌سازی بهره‌برده‌اند که از میان آنها، الهی قمشه‌ای با ترجمه آزاد از این دو سوره شریفه بیش از دیگران از روش برجسته‌سازی برای بازخوانی فضاهای خالی استفاده کرده است.

صص:

۲۱۲-۱۹۵

مقاله:

علمی پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۱/۰۹/۰۶

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۲/۰۶/۲۵

کلید واژه‌ها:

قرآن؛

سوره بقره؛

سوره آل عمران؛ ترجمه؛

زیبایی شناسی آیزر.

مقدمه

قرآن کتاب مقدس دین اسلام و در باور مسلمانان سخنان خداست که به صورت وحی توسط جبرئیل بر پیامبر اسلام نازل شده است. مسلمانان قرآن را بزرگترین معجزه حضرت محمد (ص) و روشن ترین دلیل بر پیام آوری او می دانند. این کتاب ارزشمند مدرسه ای است آکنده از شناخت انسان که تار و پود و سراسر زندگی جسمانی و روحانی او و جهان پیرامون او را به تصویر می کشد و تمام باید ها و نباید ها و قوانین یک زندگی سالم را برای انسان بازگو میکند. بر این کتاب مقدس و پر معنا تفاسیر و ترجمه های بسیاری نگاشته شده است. اما یکی از مهمترین دلایل تعدد و گاه تفاوت ترجمه ها «دریافتی» است که مترجم به عنوان خواننده متن، از متن اصلی دارد.

استادان و دانشجویان دانشگاه کنستانس در آلمان غربی در اواخر دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی زیباشناسی دریافت را پدید آوردند و جمله اعضای این مکتب به جای تولید و بررسی متون به خواندن و دریافت متون ادبی روی آوردند. (مکاریک) پایه گذاران این مکتب «ولفگانگ آیزر» و «هانس روبرت یاوس» بودند که نظریات خود را با عنوان زیبایی شناسی دریافت مدون کردند. (عرب) آیزر با تاکید بر نقش خواننده به جای نویسنده اندیشه ای را توسعه می دهد که در آخر به ارائه نوعی نظریه خوانش متن ادبی منجر می شود و در کتاب های خواننده پنهان و به ویژه کنش خواندن انعکاس یافته است.

نظریه دریافت با تکیه و تاکید بر خواننده و متن معتقد است که پویایی و استمرار متن وابسته به بازخوانی و خوانش متن توسط خواننده است چه بافت برون متنی در این خوانش تاثیر داشته باشد و یا فقط نگرش و ذهن خواننده در بازخوانی آن تاثیر بگذارد. نظریه زیبایی شناسی دریافت آیزر به عنوان شاخه ای از نظریه یاد شده تاثیر بافت تاریخی، فرهنگی و اجتماعی بر خوانش متن را می پذیرد و به دنبال آن است که بفهمد در جریان دریافت متن چه حذفیاتی در پدیدار خواننده رخ می دهد و یا بخش های ناخوانا و چند وجهی متن چگونه توسط خواننده سفید خوانی می شود. بدین ترتیب این نظریه بیانگر آن است که یک متن، دارای خلأ های مفهومی فراوان است که خواننده با قدرت خیال و ذهن خود که بر گرفته از موقعیت خارج از متن و بافت اجتماعی، فرهنگی و تاریخی است آن خلأها را پر می کند و به وسیله ذهن فضا های خالی متن را ملموس و دست یافتنی می کند. خواننده برای این کار یا آنها را برجسته می کند یا در برخی موارد آنها را حذف می کند. (مسیوق)

مکارم شیرازی، مشکینی و الهی قمشه ای از مترجمان معاصر قرآن کریم این کتاب مقدس را با رویکردی ادبی به فارسی بازگردانده اند و از این روش در ترجمه خود بهره برده اند.

۲. پیشینه پژوهش

نظریه دریافت ولفگانگ آیزر، انعکاس وسیعی در ادبیات و به ویژه ترجمه متون ادبی داشته است. در ادبیات فارسی و عربی، بسیاری از مطالعات در راستای شرح و تبیین این نظریه انجام شده اند و برخی نیز با تکیه بر این نظریه به بررسی متون ادبی پرداخته اند. مهمترین بخش نظریه دریافت برجسته سازی زبانی است. ما در این بخش به برخی مطالعات انجام شده در حیطه این نظریه اشاره خواهیم کرد:

– فهیمه میرزا حسین و پوپک عظیم پور تبریزی (۱۳۹۳)؛ مقاله ای تحت عنوان «عروسک های نمایشی بر اساس نظریه زیباشناسی دریافت آیزر» نگاشته اند. این مقاله یک نمایشنامه را بررسی و برجستگی ها و محذوفات آن را در بخش دریافت متن واکاوی نموده است.

– علی خزاعی فرید، (۱۳۹۴)؛ مقاله ای به عنوان «تعادل زیباشناختی در ترجمه متون ادبی از منظره زیبایی شناسی دریافت» نگاشته و به این نتیجه رسیده است که مترجمان بیش از آنکه در پی ایجاد تعادل زیباشناختی باشند به دنبال ایجاد و تصریح بیشتر و در نتیجه دور شدن از تعادل زیباشناختی بوده اند.

– احسان پناه بره و همکاران (۱۳۹۵)؛ مقاله ای با عنوان «تعادل زیبایی شناختی در ترجمه رباعیات خیام با استفاده از نظریات زیبایی شناسی دریافت و استعاره شناختی» را به نگارش در آورده اند. نویسندگان در این مقاله با در هم آمیختن دو نظریه استعاره شناختی و نظریه زیبایی شناسی دریافت، ترجمه برخی از رباعیات خیام به زبان انگلیسی را بررسی کرده اند.

– سید مهدی مسبوق (۱۳۹۷)؛ مقاله ای تحت عنوان «خوانش ترجمه های دعای عرفه در پرتو نظریه زیبایی شناسی دریافت آیزر» نگاشته است. وی در این پژوهش دریافته که استعاره به ویژه استعاره مصرحه و تبعیه و اصلیه، بیشترین شکاف های متن دعای عرفه را تشکیل می دهد.

تا آنجا که نگارندگان این پژوهش جستجو نموده اند تحقیقی که بر اساس نظریه دریافت آیزر ترجمه فارسی سوره های قرآن را بررسی نموده باشد یافت نشد، لذا این مقاله که به نقد و تحلیل سه ترجمه ادبی سوره های بقره و آل عمران بر اساس نظریه زیبایی شناسی دریافت آیزر پرداخته است در نوع خود پژوهشی نو به شمار می رود.

بنابراین پژوهش حاضر بر آن است که سه ترجمه یاد شده از سوره بقره و آل عمران را بر اساس نظریه زیباشناسی دریافت آیزر مورد بررسی و تحلیل قرار دهد و از این رهگذر میکوشد که به پرسش های زیر پاسخ گوید:

۱_ اصلی ترین شکاف ها و بخش های نامتین سوره بقره و سوره آل عمران کدام است؟

۲_ مترجمان برای پر کردن شکاف های متن مبدأ در ترجمه خود به چه نوع برجستگی های زبانی یا حذفیاتی روی آورده اند؟

۳_ وجوه اشتراک و اختلاف این برجستگی ها در سه ترجمه یاد شده چیست؟

۳. روش شناسی

از آنجا که این پژوهش در حوزه بررسی و تحلیل ترجمه دو سوره از قرآن براساس یکی از نظریات نوین میباشد بنابراین بر روش کیفی متمرکز است.

۳.۱. روش پژوهش

پژوهش با تکیه بر روش توصیفی_ تحلیلی به نگارش درآمده است؛ ابتدا در بخش نظری دو سوره بقره و آل عمران بطور خلاصه معرفی شده است سپس در خصوص نظریه دریافت، مختصر توضیح داده شده است، سپس در بخش داده های پژوهش نمونه آیاتی از سوره های مورد نظر همراه با ترجمه آنها به دقت مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته و بر نظریه دریافت ایزر تطبیق داده شده است.

۳.۲. چارچوب نظری پژوهش

۳.۲.۱. نگاهی به سوره های بقره و آل عمران

سوره بقره بزرگترین و دومین سوره در چینش کنونی قرآن است، در ترتیب نزول هشتاد و هفتمین سوره و همچنین اولین سوره مدنی معرفی شده است. این سوره دارای ۲۸۶ آیه ۶۱۵۶ کلمه و ۶۲۵۶ حرف است. سوره بقره اولین سوره از سوره های هفتگانه طوال و اولین سوره از سوره های ۲۹ گانه مقطعات است (محققیان). طبق گفته خرمشاهی: «بزرگترین کلمه قرآن «فسیکفیکم الله» و بلندترین آیه آن «آیه ۲۸۲» در این سوره مبارکه جای دارد.» (خرمشاهی، ۱۳۹۵: "۱۲۳۶"). مکارم شیرازی در تفسیر نمونه علت نامگذاری این سوره را این گونه بیان کرده است: «بقره گاو ماده از داستان گاو بنی اسرائیل در آیات ۶۰ و ۷۰ تا ۷۳ گرفته شده که قرآن در این داستان به بهانه های بنی اسرائیل پرداخته است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳: "۵۹"). نام های دیگر این سوره فسطاط القران، سنام القران، سیدالقران و زهرا می باشد.

به گفته خرمشاهی سوره بقره و آل عمران با هم زهراون نامیده می‌شوند (خرمشاهی). علامه طباطبایی در تفسیر المیزان آورده است که: «هدف عمده سوره بقره هدایت انسان و اعلام این مسئله است که انسان باید به همه آنچه خدا به وسیله پیامبرانش نازل کرده ایمان بیاورد و تفاوتی میان رسولان او قائل نشود» (طباطبایی، ۱۳۹۰: «۴۳»); او انتقاد از کافران و منافقان و سرزنش اهل کتاب به جهت بدعت هایشان را از دیگر مطالب مهم این سوره دانسته است (طباطبایی). بقره را به لحاظ محتوا صورت جمعی دانستند که هم از اصول عقاید سخن گفته و هم احکام مسائل عبادی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را مطرح کرده است. داستان آدم و فرشتگان، داستان های بنی اسرائیل، داستان حضرت ابراهیم (ص)، زنده شدن مردگان و داستان طالوت و جالوت از جمله داستان ها و روایات تاریخی در سوره بقره است. در روایتی از پیامبر سوره بقره با فضیلت ترین سوره قرآن و آیت الکرسی با فضیلت ترین آیه آن معرفی شده است (مکارم شیرازی)

سوره آل عمران در چیش کنونی مصحف سومین سوره و در ترتیب نزول هشتاد و نهمین سوره است. سراسر آیات این سوره مدنی است. سوره آل عمران ۲۰۰ آیه، ۳۵۰۸ کلمه و ۱۴۹۸۴ حرف دارد. این سوره دومین سوره از سوره های مقطعات است که با حروف مقطعه «الم» آغاز شده است و بعد از سوره بقره و سوره نساء سومین سوره بزرگ قرآن است و در زمره سوره های سبع طوال به شمار آمده است. نامگذاری این سوره به نام آل عمران به دلیل وجود واژه عمران در دو آیه از آن است؛ در آیه ۳۳ به خاندان عمران تحت عنوان آل عمران و در آیه ۳۵ به عمران پدر حضرت مریم (ع) اشاره شده است. پس سوره آل عمران یادآور طبقات و رده هایی از انسان ها است که خداوند متعال آنها را از میان جامعه بشری گزینش کرده است که عبارتند از: آدم، نوح، آل ابراهیم و آل عمران. نام دیگر این سوره طیبه، یعنی پاک از آلودگی ها و تهمت ها است که اشاره به پاکی حضرت مریم از گناهان و تهمت ها دارد (سرمدی). به گفته برخی مفسران این سوره در خلال جنگ بدر و جنگ احد یعنی سال های دوم و سوم هجری نازل شده است و بخشی از حساس ترین دوران زندگی مسلمانان را در صدر اسلام نشان می دهد (مکارم شیرازی). علامه طباطبایی هدف اصلی سوره آل عمران را دعوت مومنان به اتحاد صبر و استقامت در برابر دشمنان اسلام دانسته است به گفته او، این سوره از مسلمانان می خواهد تا یکدیگر را به صبر سفارش کنند سپس برای رهایی آنها از شبهات دینی و وسوسه های شیطانی حقایق دین را به آنان یادآوری می کند (طباطبایی).

زیبا شناسی دریافت^۱ به عنوان یکی از نظریات خواننده محوری، بر آن است که معنا در متن نهفته است و این مخاطب است که فراتر از کشف معنا، آن را خلق می کند. بدین ترتیب، اثر هنری زمانی تکمیل می شود که خوانندگان در دوره های مختلف آن را تفسیر کنند. آیزر بر اعمال آگاهی خواننده تمرکز می کند و در جستجوی امکانات معنایی متن است (احمدی). یاوس منادی تاریخ ادبی خوانندگان است تاریخی که نه بر تولید، بلکه بر دریافت تاکید می کند (هارلند). از نظر آیزر متن ادبی دارای دو بُعد است: بُعد هنری متن که مؤلف خالق آن است و بُعد زیباشناختی که خواننده آن را می آفریند. وی بنیان نظریه خود را طی یک سخنرانی در دانشگاه کنستانس در سال ۱۹۷۶ شکل داد. این سخنرانی که شرح نگاهی نو به ساختار و کارکرد متن بود بنای اصلی «واکنش زیبایی شناختی» آیزر را فراهم کرد. با انتشار دو کتاب به نام های «خواننده مستتر» و «کنش خواننده» انگاره تازه ای را در نظریه ادبی مطرح کرد که مطابق آن کانون توجه از متن به خواننده منتقل می شد. (برکت) در حقیقت آیزر به جای اینکه در پی معنای متن باشد در پی این است که دریابد دریافت خواننده از متن چیست. این چالش ذهنی و دغدغه فکری آیزر نظریه دریافت روبرت یاوس را به جلو می برد.

نظریه واکنش زیبایی شناختی آیزر با نظریه واکنش خواننده یاوس تفاوت دارد. زیرا به تحلیل از خوانش های موجود از یک متن نمی پردازد بلکه در صدد فهم فرآیند خوانش یک خواننده مستتر و آرمانی است (برکت). از خواننده مستتر انتظار می رود به ساخت های پاسخ طلب متن جواب دهد (شمیسا). از نظر آیزر روال کار خواننده مطلوب اینگونه است که ادبیات در یک فضای مجازی حاصل از تعامل خواننده و متن زمینه های تأثیرات و نتایج نوعی افق معنایی را فراهم می آورد و خواننده مستتر آرمانی نخست چندان در فرآیند خواندن درگیر می شود که "در مسیر این تأثیرات و نتایج قرار می گیرد و آن گاه فرصت می یابد که به معنای حاصل از تعامل با متن در مسیر طولانی و پیچیده دست یابد" (ایزر و صافاریان، ۱۳۷۲: ۵۴). متن نوشته شده محدودیتهای ویژه ای را بر اشارات نوشته نشده تحمیل می کند تا از مبهم بودن آن جلوگیری کند؛ اما در همان زمان که این اشارات به وسیله تخیل خوانندگان حل می شوند موقعیت داده شده را در برابر پس زمینه ای قرار می دهد که اهمیت کمتری نسبت به آنچه برای آن در نظر گرفته شده است دارا است (تقی نژاد رودبند). با این روش صحنه های جزئی و کم مایه ناگهان شکلی از یک زندگی مستمر متن را متعهد می شوند که محصول نهایی اثر متقابل بین خواننده و متن است. (Iser)

از نظر آیزر اگر چه خواننده معنا را به متن فرافکنی می کند اما کنش های خوانشی (واپس نگری، تفکر دوباره، محقق شدن یا نشدن پیش بینی، بازنگری درک از شخصیت ها و وقایع و غیره) را که واسطه ای بر ساختن آن معنا هستند خود متن پیشاپیش ساختار داده یا در متن تعبیه کرده است (تایسن). بنابراین آیزر با تاکید بر بخش های زیبا شناختی متن می خواهد به این پرسش پاسخ دهد که یک متن ادبی چه تاثیری در خواننده داشته و خواننده بخش های نامفهوم و سفید متن را چگونه دریافت می کند؟ بدین ترتیب در زیباشناسی دریافت خواننده متن را وارد ذهن خود می کند تا شالوده و اساس و همه اجزای متن را کشف و بازبایی کند، به عبارت دیگر از دیدگاه خود شروع به تفسیر و تبیین و شرح متن می کند. زیباشناسی دریافت می کوشد تا علل گرایش یا عدم گرایش مخاطبان به یک اثر یا جریان هنری و ادبی را شناسایی کند (نامور مطلق). متن انتظارات معینی در ما بر می انگیزد و ما به نوبه خود آنها را چنان بر متن بازمی تابانیم که امکانات چند معنایی را به تأویل واحدی که با انتظارات ایجاد شده ما خوانایی دارند کاهش می دهیم و بدین سان معنای یگانه و صوری می آفرینیم. (آیزر و صافاریان). متن این قدرت را دارد که تفسیر های بعید را نفی کند و در حوزه ای منطقی تفسیر های متفاوت را پذیرا باشد (مقدادی).

بنابراین نظریه دریافت معتقد است که یک متن واحد نزد افراد مختلف و در شرایط مکانی و زمانی متفاوت، به صورت متفاوت دریافت می شود و در واقع چگونگی و ارزش زیبایی شناسی یک متن در گروی دیدگاه جامعه خوانندگانی است که با تصورات و باورهای محیط و زمانه خود آن را می خوانند (جواری).

بدین ترتیب خواننده برای یافتن یک مفهوم و معنای واحد و منسجم از متن برای بازسازی و پر کردن شکاف های متن و یا به تعبیری از قوه به فعل درآوردن واقعیت غیر مترقبه متن (آیزر و صافاریان) دو کار را انجام می دهد: حذف و برجسته سازی. بر اساس این نظریه، درون متن شکاف های مفهومی فراوانی وجود دارد که خواننده با قدرت ذهنی و طرح واره های فکری خود آن ها را پر می کند و با استفاده از تفسیر ذهنی، دست به ملموس سازی^۱ فضاهای خالی متن می زند.

خوانندگان با حل کردن تناقضات میان دیدگاه های گوناگون موجود در متن یا با پر کردن شکاف های میان این دیدگاه ها به شیوه های مختلف، متن را وارد آگاهی خود می کنند و آن را به تجربه خویش تبدیل می نمایند (سلدن). خواننده با حذف یا برجسته کردن برخی عناصر پاره ای از عناصر را

به شیوه‌ای خاص عینیت می‌بخشد و برای آنکه خیالی یکپارچه پدید آورد می‌کوشد تا از درون اثر چشم اندازهای مختلفی را بگیرد یا از چشم اندازی به چشم انداز دیگر حرکت کند (میرزا حسین و عظیم پور).

مترجم در حقیقت یکی از خوانندگان متن است و بعد از دریافت متن آن را به زبان مورد نظر ترجمه و بازگردانی می‌کند، بنابراین در این مقاله آنچه ما به دنبال بررسی و تحلیل آن هستیم دریافتی است که مترجم از متن دارد و با تکیه بر دریافت شخصی خود، می‌کوشد فاصله بین متن اصلی و متن مقصد را کم کند، بر این اساس متنی ثانوی تولید می‌کند که ممکن است بسیاری از نشانه‌های متن اصلی در آن تغییر کرده یا جایگزین شود. بنابراین حوزه معنی، به عنوان انعطاف پذیرترین سطح زبان، بیش از دیگر سطوح زبان در برجسته سازی ادبی مورد استفاده قرار می‌گیرد (صفوی، ۱۳۹۰؛ ج ۲: ۳۶).

۳.۳.۳. داده‌ها و یافته‌ها:

بررسی ترجمه‌های سوره‌های بقره و آل عمران بر اساس نظریه زیبایی شناسی دریافت

قرآن کریم علاوه بر مضامین والای خود، در نهایت استحکام ادبی بنیان نهاده شده است. ساختار واژگانی، نحوی، آوایی و بلاغی با معانی الهی آن به هم تنیده شده و در یک راستا پیوند خورده اند. مترجمان این کتاب مقدس با توجه به ادبی بودن متن آن، هر کدام به روشی سعی دارند ترجمه‌ای متعادل و وفادار ارائه دهند. آنها بخش‌های نامتعیین و فضاهای خالی دعا را به روش‌های مختلفی ترجمه کرده اند. اساسی‌ترین بخش‌های نامتعیین سوره‌های بقره و آل عمران، مربوط به بخش مجازی و بلاغی زبان در دو محور جانشینی و همنشینی است؛ در محور جانشینی استعاره و کنایه و در محور همنشینی، تشبیه و مجاز (عقلی و مرسل)، باعث دوری متن از زبان خودکار و ایجاد شکاف زبانی می‌شود. مترجمان در ترجمه این بخش از سوره‌ها، هر کدام به روشی آن را برجسته و یا حذف کرده اند که در ادامه به صورت مفصل بررسی خواهد شد.

۳.۳.۱. استعاره

یکی از صنایع ادبی که به ایجاد گسستگی و خلأ در متن می‌انجامد استعاره است. خواننده در برخورد با استعاره ابتدا به تصویری که ایجاد کرده است پی می‌برد سپس معنا و مفهوم نهفته در آن را درمی‌یابد؛ در این هنگام در بُعد شناختی و ادراک خواننده بین تصویر ارائه شده و مفهوم آن یک شکاف و از هم گسستگی ایجاد می‌شود، خواننده برای از میان بردن این شکاف با استفاده از تخیل و ادراک خود میان

این تصویر و مفهوم آن ارتباط ایجاد می کند بدین ترتیب این ارتباط و همبستگی خلأهای موجود در متن را پوشش می دهد.

استعاره بلیغ ترین نوع مجاز است بنابراین از واقعیت دورتر و شکاف حاصل از آن عمیق تر است، پس عجیب نیست که ذهن برای پر کردن شکاف های حاصل از آن بایستی تلاش بیشتری داشته باشد، از این رو در انواع استعاره ها (مصرحه، مکنیه، تبعیه، اصلیه و تخیلیه) عمق شکاف بستگی به عمق تصویر و دوری آن از واقعیت دارد.

اینک به تحلیل و بررسی استعاره در ترجمه های سه گانه در نمونه هایی از آیات سوره های بقره و آل عمران بر اساس نظریه دریافت آیزر می پردازیم:

- فی قلوبهم مرض (بقره/۱۰)

در دل های آنها یک نوع بیماری است. (مکارم شیرازی)

در دل های آنها بیماری (از کفر و شرک و نفاق) است. (مشکینی)

در دل های ایشان بیماری (جهل و عناد) است. (الهی قمشه ای)

در لفظ «مرض» لجاجت و عقیده بدی که قلب منافقان را احاطه کرده به مرض و بیماری تشبیه شده است و بین این مفهوم و تصویر شکل گرفته، یک نوع خلأ ایجاد شده است. مکارم شیرازی برای پر کردن شکاف، عنصر تصویر را حذف و فقط به ارائه مفهوم آن بسنده کرده است، اما مشکینی از طریق تلفیق تصویر و مفهوم، متن را برجسته و شکاف آن را از بین برده است چنان که برای برجسته سازی کلمه مرض، از واژگان کفر و شرک و نفاق استفاده کرده است. هر چند که منظور از «مرض» در این آیه نفاق و کفر و سوء عقیده منافقان است اما او نتوانسته شکاف و خلأ ایجاد شده را به طور کامل از میان ببرد و حتی از میزان تأثیر گذاری عبارت نیز کاسته است. الهی قمشه ای نیز به این تصویرسازی و برجسته نمایی روی آورده و منظور از مرض را جهل و عناد دانسته است و تا حدودی در این کار موفق عمل نموده است.

- أولئك الذين اشتروا الضلالة بالهدى فما ربحت تجارتهم (بقره/۱۶)

آنان کسانی هستند که هدایت را به گمراهی فروخته اند و این تجارت به آنها سودی نداده و هدایت نیافته اند. (مکارم شیرازی)

آنها کسانی هستند که گمراهی را به بهای هدایت خریدند پس نه تجارت سود داد و نه از راه یافتگان بودند. (مشکینی)

آنان اند که گمراهی را به راه راست خریدن از تجارتشان سود نکرده و راه هدایت نیافتند. (الهی قمشه ای)

"اشتروا الضلالة" یک استعاره تصریحیه و مرشحه است و بدین معناست که آنها ضلالت را به جای هدایت برگزیدند و آن را با هدایت معاوضه کردند. در حقیقت واژه "ضلالة" که به معنی گمراهی است به کالایی تشبیه شده که قابل خرید و فروش یا معاوضه می باشد. "اشتروا" برای خرید و فروش و معاملات تجاری به کار می رود ولی در اینجا منظور جابجا کردن است. در این عبارت خداوند به وسیله واژه "اشتروا" عمق تمایل به گمراهی گناهکاران را نشان داده و این عمل آنان را به خرید کردن تشبیه کرده است. در ترجمه این بخش از آیه هر سه مترجم با ترجمه ای تحت اللفظی سعی در رفع و از بین بردن شکاف ایجاد شده، دارند؛ ولی این شکاف با این نوع ترجمه به طور کامل از میان نرفته است.

- مَنْ ذَا الَّذِي يقرضُ اللهُ قرضاً حسناً فيضاعفهُ له أضعافاً كثيرة (بقره / ۲۴۵)

کیست که بخدا قرض الحسنه دهد و از اموالی که خدا به او بخشیده انفاق کند تا آن را برای او چندین برابر کند. (مکارم شیرازی)

کیست آنکه به خداوند قرض الحسنه دهد تا برای او چندین برابر کند. (مشکینی)

کیست که خدا را قرض الحسنه دهد تا خدا بر او چندین برابر بیفزاید. (الهی قمشه ای)

کلمه "یقرض" استعاره تصریحیه است. در این استعاره، مشبه یعنی عمل صالح حذف شده و مشبه به، چیزی شبیه مال است که انسان‌ها به هم قرض می دهند و باقی مانده است. پس مضاعف کردن که یکی از ویژگی‌های مشبه به است و با آن تناسب دارد در این آیه آورده شده است. در این آیه "یقرض" به معنی قرض دادن و استعاره از عمل صالح است.

همانطور که مشاهده می شود، میان این تصویر و معنای حقیقی خلأیی وجود دارد که مکارم شیرازی نسبت به دو مترجم دیگر، از طریق برجستگی حاصل از استعاره و ارائه توضیحی بیشتر در ترجمه خود در رفع آن کوشا تر بوده است. اما باز هم نتوانسته شکاف آن را به طور کامل از میان ببرد.

از دیگر عوامل ایجاد خلأ و شکاف در این دو سوره کنایه است. کنایه شکاف کمتری نسبت به استعاره در متن ایجاد می کند چراکه هم معنای مجازی و هم معنای حقیقی را در بردارد و در نتیجه از بلاغت کمتری برخوردار است. کنایه بر ۵ نوع است: تعریض، تلویح، رمز، ایما و اشاره؛ که هر یک بر حسب نوع خود در متن شکاف ایجاد می کنند. کنایه هرچقدر که دارای معنای حقیقی تری باشد شکاف و خلأ ایجاد شده در آن کمتر است و بالعکس. بدین رو تعریض نسبت به سایر انواع کنایه، شکاف و خلأ بیشتری دارد.

مترجمان در بازگرداندن کنایات معمولاً از سه روش ترجمه تحت اللفظی، ترجمه تفسیری و ترجمه کنایه ارتباطی استفاده می کنند؛ ترجمه تحت اللفظی کنایه را به صورت تحت اللفظی ترجمه می کند، ترجمه تفسیری در واقع شرح و تفسیر کنایه می باشد و ترجمه ارتباطی معادل کنایه در زبان مقصد جستجو می شود (مسبوق).

بهترین این سه نوع ترجمه کنایه، روش ترجمه کنایی یا ارتباطی می باشد. در این هنگام این پرسش ها به وجود می آید که آیا این سه روش شکاف موجود در کنایه را از بین می برند و کدام یک از این روش ها تأثیر بیشتری در رفع خلأ و شکاف موجود در آیات دارند؟ برای پاسخ به این پرسش ها در ادامه به بررسی برخی کنایات در این دو سوره در خلال ترجمه آنها می پردازیم.

- نَسَاؤُكُمْ حَرْتُ لَكُمْ فَأَتُوا حَرَّتْكُمْ أَنِّي سَتِّمُ (بقره، ۲۲۳)

زنان شما محل بدرافشانی شما هستند پس هر زمان که بخواهید می توانید با آنها آمیزش کنید. (مکارم شیرازی)

زنان شما کشتزار شمايند پس از هر سو و هر وقت که خواستيد به کشتزار خود درآييد. (مشکینی).

زنان شما کشتزار شمايند پس (برای کشت فرزند صالح) بدانها نزدیک شوید. (الهی قمشه ای)

در این آیه برای زیبا ساختن سخن و برای رعایت ادب و احترام با آوردن لفظ "حرت" به صورت کنایی به رابطه زناشویی اشاره شده است. واژه "حرت" دارای معنای عمیق کنایی می باشد. در ترجمه این آیه هر سه مترجم از روش معنایی استفاده کرده اند و بنابراین معنا و مفهوم کنایی را در ترجمه خود رسانده اند ولی تصویر کنایه به خوبی ارائه نشده است؛ بدین ترتیب شکاف و خلأ در زبان مقصد به خوبی برطرف نگردیده است.

- يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْخُذُوا بَطَانَةً مِّن دُونِكُمْ (آل عمران، ۱۱۸)

ای کسانی که ایمان آورده اید محرم اسراری از غیر خود انتخاب نکنید. (مکارم شیرازی)

ای کسانی که ایمان آوردید از غیر خود برای خویش دوست محرم راز نگیرید. (مشکینی)

ای اهل ایمان از غیر هم دینان دوست صمیمی هم راز نگیرید. (اللهی قمشه ای)

"بطانه" به لباس زیر گفته می شود که به بدن و شکم میچسبد. این کلمه کنایه از محرم اسرار است و خداوند به طرز زیبایی دوست صمیمی و محرم اسرار را به لباس زیر تشبیه کرده و حاصل این تشبیه عبارت و معنای کنایی است، بنابراین به جای اشاره مستقیم به دوست، به صورت کنایه به آن اشاره کرده است. هر سه مترجم این عبارت را به صورت تحت اللفظی و معنایی ترجمه کرده اند. در این روش اگر چه معنای کنایی باقی مانده است اما در همه ساختارهای کنایی به ویژه کنایاتی که از مفهوم حقیقی خود دورتر و معنای مجازی تری دارند مانند تعویض بدترین نوع روش است (مسوق). این عبارت کنایی از نوع ایما و اشاره است پس با ترجمه تحت اللفظی معنای کنایی آن حفظ شده و مقداری از شکاف و خلأ برداشته شده است.

- لِيَقْطَعَ طَرَفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْ يَكْتَسِبَ غَيْرًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا (بقره، ۱۲۷)

- این وعده را که خدا به شما داده - برای این است که قسمتی از پیکر لشکر کافران را قطع کند یا آنها را با ذلت برگرداند تا مأیوس و ناامید به وطن خود بازگردند. (مکارم شیرازی)

تا پاره ای از کافران را از بن براندازد یا آنها را سرکوب کند تا ناامید بازگردند. (مشکینی)

تا گروهی از کافران را هلاک گرداند یا خوار کند تا از مقصود خود ناامید بازگردند. (اللهی قمشه ای)

هر سه مترجم شکاف حاصل از کنایه را به روش ترجمه معنایی یا تحت اللفظی ترجمه کرده اند ولی ترجمه آنها کنایه موجود در آیه را حفظ نکرده است بنابراین این شکاف از میان نرفته است. در این نوع ترجمه مفهوم کنایه به خوبی درک شده اما ساختار کنایی آن از میان رفته و از هم گسیختگی میان متن مبدأ و مقصد همچنان پا برجاست.

۳.۳.۳. تشبیه

تشبیه در سوره بقره نسبت به سوره آل عمران از بسامد بالاتری برخوردار است. در بیشتر مواقع تشبیهات در قالب استعاره بیان شده اند و مترجمان در ترجمه تشبیهات، آنها را به صورت همان تشبیه

بازگردانده اند تا خلأ و شکاف از میان برداشته شود، اما بسته به نوع تشبیه میزان موفقیت آنها در ترجمه و بازگرداندن آنها متفاوت بوده است. موارد زیر از جمله تشبیهاتی است که در سوره‌های آل عمران و بقره آمده است:

- **مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أُنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِثْلُ حَبَّةٍ**
(بقره، ۲۶۱)

کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند همانند بذری هستند که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه یکصد دانه باشد. (مکارم شیرازی)

مثل انفاقات کسانی که اموالشان را در راه خدا انفاق می‌کنند مثل دانه ای است که هفت خوشه برویاند در هر خوشه یک صد دانه باشد. (مشکینی)

مثل آنان که اموالشان را انفاق می‌کنند به مانند دانه ای است که از آن هفت خوشه بروید و در هر خوشه صد دانه باشد (الهی قمشه ای)

هر سه مترجم به طور کامل در ترجمه ی خود تشبیه را حفظ کرده و تشبیه را به صورت تشبیه، ترجمه تحت الفظی کرده اند. پس شکاف و خلأ میان آیه و ترجمه آن تا حدودی از بین رفته است.

- **هِنَّ لَبَاسٌ لَكُمْ وَ أَنْتُمْ لَبَاسٌ لَهُنَّ** (بقره، ۱۸۷)

آنها لباس شما هستند و شما لباس آنها. (مکارم شیرازی)

آنها لباس اند برای شما و شما لباسید برای آنها. (مشکینی)

آنها جامه عفاف شما و شما لباس عفت آنها هستید. (الهی قمشه ای)

در ترجمه مکارم شیرازی و مشکینی واحد ساختار تشبیه، چالش و خلأ زبانی از بین رفته است ولی در ترجمه الهی قمشه ای تصویر برآمده از لباس همان تصویر عفاف است و در حقیقت تصویر لباس بناگزیتر مفهوم عفاف را در ذهن متبادر می‌کند، بنابراین در هر سه ترجمه هدف و شکاف زبانی به نحو نیکو از میان رفته است

یکی دیگر از صنایع بیانی در این دو سوره مجاز است و در این پژوهش ما فقط مجاز مرسل را مورد واکاوی قرار می‌دهیم. مجاز نیز به عنوان یکی از صنایع بیانی با توجه به تصویری که ایجاد می‌کند باعث ایجاد خلأ و شکاف بین متن مبدأ و مقصد می‌شود. نمونه هایی از مجاز های مرسل در دو سوره بقره و آل عمران مورد بررسی قرار می‌گیرد:

- يَجْعَلُونَ اَصَابِعَهُمْ فِي اِذَانِهِمْ (بقره/ ۱۹)

انگشتشان را در گوش های خود می گذارند. (مکارم شیرازی)

آنها انگشتان خود را در گوش ها می کنند. (مشکینی)

آنان انگشتان شان را از ترس مرگ در گوش نهند. (الهی قمشه ای)

«اصابع» جمع «اصبع» و به معنای انگشتان است. در این آیه واژه ی «اصابع» برای «انامل» یعنی سر انگشتان که از اجزای اصابع هست به کار رفته است و هر سه مترجم این واژه را به صورت انگشتانسان ترجمه کرده اند و از همان واژه با مفهوم مجازی خود در بازگردانی بهره برده اند و مجازی که به شکاف زبانی منجر شده را در ترجمه حذف نکرده اند، از آنجا که در زبان فارسی نیز انگشتان در همان معنای مجازی به کار می‌رود پس می‌توان ادعا کرد که شکاف میان زبان مبدأ و زبان مقصد به طور کامل از میان رفته است.

- و اَرْكَعُوا مَعَ الرَّاٰكِعِيْنَ (بقره/ ۴۳)

همراه رکوع کنندگان رکوع کنید. (مکارم شیرازی)

با رکوع کنندگان رکوع نمایید. (مشکینی)

و با خدا پرستان حق را پرستش کنید. (الهی قمشه ای)

«رکوع» در لغت به معنی «انحنا» است (دهخدا)، اما علاوه بر معنای اولیه و حقیقی یک معنای مجازی در این واژه نهفته است و آن همان نماز یا عمل پرستش می باشد، پس در این آیه از تعبیر رکوع که جزئی از نماز است اراده نماز شده است. در ترجمه سه مترجم، مکارم شیرازی و مشکینی همان معنای حقیقی و اولیه را آورده اند اما الهی قمشه‌ای آن را به صورت پرستش در جامعه ترجمه کرده است، پس در دو ترجمه این واژه به معنای حقیقی خود بازگردانده شده است و الهی قمشه‌ای در ترجمه خود تنها

به معنای مجازی آن اشاره کرده است. بدین رو در هر سه ترجمه شکاف همچنان برقرار است ولی در ترجمه الهی قمشه ای شکاف کمتری نسبت به دو ترجمه دیگر مشهود است.

۴. نتیجه گیری

– نظریه زیبایی شناسی دریافت آیزر به عنوان قسمتی از نظریه دریافت در پی شناخت این امر است که مترجم به عنوان یک خواننده در جریان دریافت متن چگونه با استفاده از قوه خیال و قدرت ذهنی خود که برخاسته از تشکیلات و مقتضیات اجتماعی، فرهنگی و تاریخی است شکاف‌های متن را سفیدخوانی میکند.

– شکاف ها و خلأهای متن برخاسته از چهار گونه (تشبیه، استعاره، کنایه و مجاز) است، این چهار نوع شکلی از تصویر و معنا را در مقابل مترجم ترسیم می‌کند و او برای بازگرداندن این بخش های ناخوانا و چند وجهی از دو روش حذف یا برجسته سازی استفاده می‌کند.

– استعاره به خصوص استعاره مصرحه نسبت به مجاز، تشبیه و کنایه بیشترین شکاف های متن سوره های بقره و آل عمران را تشکیل می‌دهد و بعد از آن کنایه، سپس مجاز و اندکی تشبیه با درهم آمیختگی تصویر و معنا در متن باعث ایجاد خلأ میان متن مبدأ و مقصد شده است. مکارم شیرازی، الهی قمشه‌ای و مشکینی به عنوان سه مترجم تلاش کرده اند در ترجمه آیات این شکاف را با حذف بخش‌هایی و برجسته کردن بخش‌هایی دیگر پر کنند، هر قدر عمق تصاویر و معنا بیشتر می‌شود مترجمان در بازگرداندن و پرکردن شکاف آنها باید تصاویر و معانی عمیق تری ارائه نمایند.

– تفاوت های میان دو زبان به خصوص در رابطه با آیات قران باعث می‌شود مترجمان در بازگرداندن متن، تصاویر را حذف یا تغییر دهند، در میان این سه مترجم، الهی قمشه ای نسبت به دو مترجم دیگر به بازگردانی تصاویر به همراه معانی مقیدتر است و علت شکاف های زبانی را بهتر از دو مترجم دیگر بازنمایی و خلق کرده است.

منابع

۱. _ آیزر، ولفگانگ و صافاریان، روبرت. (۱۳۷۲ش). فرآیند خواندن: نگرش پدیدار شناختی، مجله کیهان فرهنگی، شماره ۱۰۱، صص ۲۴-۲۶
۲. _ احمدی، بابک. (۱۳۸۹). *ساختار و تأویل متن*، چ ۹، تهران: نشر مرکز.
۳. _ الهی قمشهای، مهدی. (۱۳۸۰ش). *ترجمه قرآن کریم*. چ ۲، قم: انتشارات فاطمه زهرا.
۴. _ برکت، بهزاد. (۱۳۹۳ش). کنش خواندن و انسان شناسی ادبیات: تصویری از اندیشه ولفگانگ آیزر. *مجله جسارت‌های ادبی. سال ۴۷*. شماره ۱۸۴. صص ۷۱-۵۱
۵. _ تایسن، لوئیس. (۱۳۸۷). *نظریه های نقد ادبی معاصر*. ترجمه مازیار حسین زاده و فاطمه حسینی، تهران: نگاه امروز. (متن ترجمه شده)
۶. _ جواری، محمد حسین. (۱۳۸۴ش). *نظریه زیبایی شناسی دریافت: روشی برای خوانش های جدید در ادب فارسی. فصلنامه دانشگاه تربیت معلم آذربایجان، سال ۲*، شماره ۵، صص ۷۲-۵۷.
۷. _ خرمشاهی، بهاء الدین. (۱۳۹۵). *دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی*. جلد دوم، چ ۵، نشر دوستان.
۸. _ دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۳ش). *لغت نامه*، تهران: انتشارات دانشگاه.
۹. _ سلدن، رامان. (۱۳۷۲). *راهنمای نظریه ادبی معاصر*. ترجمه عباس مخبر، تهران: طرح نو. (متن ترجمه شده)
۱۰. _ شمیسا، سیروس. (۱۳۸۸ش). *نقد ادبی*. چ ۳. تهران: میترا.
۱۱. _ صفوی، کورش. (۱۳۹۰ش). *از زبان شناسی به ادبیات*. جلد ۲، چ ۳، تهران: شرکت انتشارات سوره مهر.
۱۲. _ طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۹۰). *المیزان فی تفسیر القرآن*. چ ۵، قم، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۳. _ عرب، رضا. (۱۳۹۴). پدیدار شناسی متن؛ زیبایی شناسی دریافت. عصر نو، در www.asre.nou.net
۱۴. _ نامور مطلق، بهمن. (۱۳۸۷ش). یائوس و آیزر: نظریه دریافت، *پژوهشنامه فرهنگستان هنر*، ش ۱۱، صص ۹۳-۱۱۰.

۱۵. _ محقیان، رضا. (۱۳۹۶). *انوار تقلید در تفسیر قرآن: ارتباط شناسی بین قرآن و عترت سوره بقره، چ ۱، ناشر: رضا محقیان.*
۱۶. _ مسبوق، سید مهدی. (۱۳۹۷). *خوانش ترجمه های دعای عرفه در پرتو نظریه زیبایی شناسی دریافت آیزر، دوفصلنامه علمی _ پژوهشی مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، دور ۵، شماره ۹، صص ۱۳۷_۱۶۱.*
۱۷. _ مشکینی، علی. (۱۳۸۱ش). *ترجمه قرآن کریم. چ دوم، قمشه، انتشارات الهادی.*
۱۸. _ مقدادی، بهرام. (۱۲۹۳). *دانشنامه نقد ادبی از افلاطون تا به امروز، تهران: نشر چشمه.*
۱۹. _ مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۳). *ترجمه قرآن کریم. چ ۲، قم، انتشارات دارالقرآن.*
۲۰. _ مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۶). *برگزیده تفسیر نمونه، جلد ۱، تهران: دارالکتب اسلامی.*
۲۱. _ مکاریک، ایرنا. (۱۳۸۴). *دانشنامه نظریه های ادبی معاصر، ترجمه مهران مهاجر و محمد نبوی، تهران: آگه.*
۲۲. _ میرزا حسین، فهیمه و عظیم پور تبریزی، پوپک. (۱۳۹۴). *خوانش عروسک های نمایشی بر اساس نظریه زیبایی شناسی دریافت آیزر، نشریه علمی پژوهشی نامه هنری های نمایشی و موسیقی، ش ۱۰، صص ۲۱_۳۱.*
۲۳. _ هارلند، ریچارد (۱۳۸۶). *دیباچه ای تاریخی بر نظریه ادبی از افلاطون تا بارت. ترجمه بهزاد برکت، رشت: دانشگاه گیلان.*